

بسمه تعالی

دولت ملی و تئوری انجمن چند ملیتی

گرازی لیتو - گلیلینر

دانشگاه بانک جنوب نون

دانشگاه مکاتبه ای

خلاصه : این مقاله با بررسی تئوریهای کمپانی (TNC) و فعالیت آنان آغاز می گردد. با توجه به نقش ملی و مرزها و ایجاد سوالاتی که آیا به تئوریهای ویژه درباره کمپانی های چند ملیتی نیاز داریم و در عملیات بین مرزی چه چیز ویژه ای هست تا تئوریهای خاص را تضمین نماید. تحلیلی ، ابعاد عملیات بین مرزی را پیگیری می نماید. بین دولت ملی و جایگاه رژیم های نظارتی ، ارتباطی وجود دارد.

آنها امکاناتی را به دلیل منافع خاص چند ملیتی ایجاد می نمایند و هم زمان از عمده استراتژی خاصی برای افزایش این منافع بر می آیند. منافع تئوری کمپانی های چند ملیتی TNCs نه تنها در مورد نیروی کار بلکه برای دولتها هم مطرح است . فعالیتهای TNCs تجزیه استراتژیک با برنامه ریزیها می تواند هم به جهت عوامل گوناگون در سیستم اقتصاد و هم کمپانی های رقیب طراحی گردد،

بررسی اجزای تولید بویژه در گیریها با نیروی کار.

نتایج و دخالتهای آموزش سیاسی را به دنبال داشت.

ژل: ۴۲۳ و ۴۲۱ .

کلمات کلیدی؛ کمپانیهای چند معینی با تئوری کمپانیهای چند ملیتی و نیروی کار؛ کمپانیهای چند ملیتی و دول، کمپانیهای چند ملیتی و دولت ملی.

#### ۱- مقدمه

در دهه ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰ رشد قابل توجهی در سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) بویژه در کمپانیهای امریکایی و انگلیسی به طور گسترده در بخش تولید مشاهده شد. تغییری را از قبل از FDI WWII اعلام کرد. که بر روی کوچکترین کند به درون اصلی ترین منابع بود. این تغییر نیاز برای توضیحاتی از FDI می تواند طولانی باشد را سبب می شود و نیاز از جهت و اطمینان مواد خام غیر قابل دسترسی در کشورهای توسعه یافته ناشی می شود.

موج جدیدی از FDI در عمل به سوی دیگر کشورهای توسعه یافته هدایت می شود. این مسیر از سئوالات از عهده مقایسه عملکرد کمپانی های بومی و خارجی و برخورد FDI با کشور میزبان بر می آید. این گونه سئوالات موضوع تحقیقات اولیه جان دانینگ<sup>۱</sup> با منابعی از سرمایه گذاری تولید امریکا در انگلستان بود (۱۹۵۸) بعلاوه، میزان FDI بحدی افزایش یافت که آن توضیح نئوکلاسیک را که همه انواع سرمایه گذاریهای خارجی را دور هم جمع می کرد زیر سوال برد. یک جوان دانشجوی دکترا در مورد تکنولوژی ماساچوست با این سوال مواجه شد. این سوال او را به سمت ایجاد فاصله بین مجموعه اوراق بهادار و سرمایه گذاری خارجی مستقیم بر مبنای کنترل هدایت نمود. تحقیق دکتری همیوز (۱۹۷۶ / ۱۹۶۰) سالها ناشناخته بود و بعد از مرگش به چاپ رسید. گر چه امروزه وی به عنوان پدر تئوری کمپانی بین المللی شناخته شده است.

<sup>۱</sup> John Dunning

باید متذکر شد که موضوع مطالب تئوریهای گوناگون طی چهل یا پنجاه سال گذشته گسترده شده است. بعضی تمرکزها بویژه بر تولید بین المللی و نماینده نزدیک FDI با برخی توجهات دیگر هم به شیوه انترناسیونالیسم و هم FDI - مانند تجارت یا مجوز یا سرمایه گذاری های مشترک - برخی توجهات به همکاریهای بین المللی بصورت کامل؛ در تکاملش، سازماندهی و حوزه فعالیتها داشته است. این مقاله در بخش دو با گزینه ی خلاصه به تئوریهای اصلی همکاری بین المللی و تحلیلی درباره برخی اجزاء کلیدی ادامه می یابد. این بحث اینگونه دنبال خواهد شد که چرا ما به مطالعه TNC و یا چرا به مطالب مرزهای ملی برای سیاستهایشان نیازمندیم (بخش ۳ و ۴) بخش آخر نتایجی در مورد پیامدهای سیاسی و آموزشی را به دنبال خواهد داشت.

## ۲- خلاصه ای از بازنگری تئوریا

تحقیق هیمرز به دو بخش تقسیم می شود: فاز اول رادیکال شامل رساله دکتریوی فاز بعدی مارکیست در حالیکه کار او درباره کمپانی بین المللی (IF) او را بدست تجزیه موضوعات گسترده تر مانند سازمان دهی کار هدایت می شود رابطه بین IF و دولت با رابطه بین IF و توسعه و توسعه کشورها و هم دخالت بین فعالیتها و این کشورها (۱۹۷۹ و ۱۹۷۲ و ۱۹۷۱ و ۱۹۷۰)

عقاید اصلی تئوریش در رساله او موجود است: ۱- مفهوم کنترل که برای تمایز بین مجموعه اوراق بهادار و سرمایه گذاری مستقیم حیاتی است همینطور انگیزه سرمایه گذاری مستقیم درمقابل دیگر شیوه ای انترناسیونالیسم مانند مجوز حیاتی است.

همچنین ویژگیهای کنترل در کار بعدی او در شرایط مدیریت کنترل فراتر از نیروی کار است  
۲- معایب بازار و ارتباط بازار قدرت کمپانیهای عملیاتی در بازارهای آلیکو پالستیک کلیدی برای

تحلیلهای او بود که چرا کمپانیها سرمایه گذاری را افزایش می دهند. در مقاله ۱۹۶۸ او، هیمر کارکوآس را درسال (۱۹۷۳) دنبال کرد و تئوریش را در مورد سازمانهای همجوار کمپانیها بیشتر گسترش داد. برخی از نکات کار بعدی او را درباره تئوری های بین المللی پیش انداخت. این مقاله به راحتی با بخشهای رادیکال و با کمیت او هماهنگ نمی شود.

کار از MIT جدا نبود در جائیکه همیر رساله اش را ریمون و رسن بر پایه مدرسه تجاری های وارد بود و او را با مشکلات مشابهی در روندی متفاوت مواجه می کرد. نکته اصلی ورنون در کل کمپانی نیست بلکه تولید است. او از مفاهیمی در دو مسیر اصلی در وجود آثاری بر طبق توسعه تئوری و تولیدات بین المللی چرخه زندگی، بهره می جوید. یک مسیر در مراحل گوناگون تولید روزمره زندگی است ( کوتزن ۱۹۵۳) مسیر دیگر<sup>۲</sup> <sup>۳</sup> تئوری تجارت بر پایه خلا تکنولوژی است ( پوزنر ۱۹۶۱). در تئوری ورنون ،

نوآوری تولیدات کمپانی مبتکر با منافع مونوپالستیک را ایجاد می کند که در ابتدا درون کشور سپس در خارج کشور مورد بهره برداری قرار می گیرد. فعالیتهایشان به خارج از کشور پی در پی در زمینه تجارت جهت سرمایه گذاری مستقیم توسعه می یابد. گام بعدی در کشورهای توسعه یافته و دست آخر در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد . بعد از ابتکار تولید بدست کامل شدن سپس به فاز استاندارد شدن می رسد، و در سطح رقابت کمپانی ها افزایش یافته و این در حالی است که به بازارهای جدید نیاز می شود همین طرو مناطقی هست که منطقه توزیع کالاهای ارزان می شوند. نیازهایی موجود است که مطابقت با تولیدات روزمره زندگی دارند و در کشورهای گوناگون مناطقی زنجیروار برای این گونه تولیدات هست. این تئوری به دلیل پویایی بیش از تئوریهای دیگر شناخته

<sup>۲</sup> Oligopolistic  
<sup>۳</sup> cease

شده است: یعنی موقعیت را مطابق زمان تغییر داد، تغییر سیاست کمپانی همراه با موقعیت و محیط تازه صورت می پذیرد.

منافع تکنولوژی و ابداع کلدی این تئوری است که بسیاری از سالها در بحبوحه تردیدها و انتظارم در آثار آن تسلط داشته است.

درونی سازی در طول مرزهای ملی رخ می دهد ما تولیدات داخلی و TNC را داریم. FDI بر پایه منابع ، بین دو جنگ جهانی موجب درونی سازی در مرزها به طور قائل می گردید. بعد از جنگ جهانی دوم تولیدات بین المللی بسیاری ساخته شد و نتایج تحقیق را شکل بخشید. سپس درونی سازی و تلاش برای نگهداری آن در نتیجه تحقیق و ابتکار میان بوجود کمپانی، بوجود آیند ، در حالی که توسعه انواع بازار و مناطق تولید در میان مرزها ادامه دارد. در آخرین تحلیل تئوری با پدیدار شدن فرض شرکت‌های چند ملیتی خواهان کاهش قیمت و تردید عملکرد بازار بودند.

در این میان تأکید بر اهداف سودمند و تغییر تولیدات وابسته به کمپانی است ( کت ول ۲۰۰۰ ) تئوری مطالعات عمیقی درباره سازمان تولیدات را ایجاد کرده بود. جان دانینگ در کار فعالیتهای کمپانی های خارجی پیشگام بوده است. اولی از تخصص و دانش در زمینه توسعه بحث می برد که گاهی آن را تئوری یا تئوری سیستمیک و یا الگو می نامند. طرح وی تلاش برای توضیحی کل حوزه فعالیتهای MNC بود: یعنی تجارت مجوز یا FD4 ( دانینگ ۱۹۷۷ و ۱۹۸۰ ) . تحت چند محیطی نقد صریحی توسط ورنون (۱۹۷۹) صورت گرفت. آن بر اساس نظریه ای در اواخر دهه ۷۰ بود، محیط بزرگ تغییر یافته بود و مرتبه انترناسیونالیسم داشت. این اجزا به ترتیب به شکاف اقتصادی کوچکتر بین اروپای غربی و امریکا و به احتیاط کمی در روند انترناسیونالیسم کمپانی ها منجر شد.

تئوری انترناسیونالیسم ( مانوس ۱۹۷۲ با بوکلی و کیسون ۱۹۷۶ تیس ۱۹۷۷ راگمن ۱۹۸۸ با هنرت ۱۹۸۲ و ۲۰۰۰ و کاوس ۱۹۷۱ و ۱۹۸۲ TNC ریشه هایش در تئوری کمپانی رونالد کیاس دارد که کمپانی در نتیجه تلاشهای اقتصادی در زمینه ارزش مذاکرات بازار رشد بیشتری نمود و او آنها را گستراند و خواستار مذاکره بها و توضیح مفاهیم در بسیاری جوانب کمپانی از سازمان به رشد توسعه بود. بازار مذاکره ای بهتر از نوع ساختاری در رساله هیمر یا ورنون است. این نقصها شکلها و ارزشهایی را به وجود می آورد که بهتر است از مذاکرات انترناسیونالیسم اجتناب شود. هنگامی که (۲۰۰۰ و ۱۹۸۹) کانت ول نگرش و پویا راجهت رشد MNC بر پایه ابتکار و گردآوری تکنولوژی پیش برد. مدل او نتیجه مطالعه تجربی جامع از اقدامات ابتکاری بخش تولید صنعتی کشورهای توسعه یافته است.

وی مسلم می داند که مدیران اقدامات ابتکاری شان را بر اساس افزایش کمپانیها در اقدامات ابتکاری در چندین مرکز با سرمایه گذاری کرده و از محیطهای متعدد یادگیری می کنند. بعلاوه ، فواید ابتکار و تکنولوژی در صنعت و منطقه منتشر می شود که MNC2 عمل می کند و این موضوع کمپانیهای دیگر را ترغیب به سرمایه گذاری در همان محل می نماید.

تأثیرات انباشتگی و انتشار مفهوم منافع منطقه ای اندوجینس را منجر میشود . ابداع مراکز چند سیاستی به این معنی است که درحالیکه ما سلسله مراتب کمپانیها را در شرایط گردآوری تکنولوژی می بینیم، سلسله مراتب کشورها را نداریم. این نتایج ورنون را نقض می کند. این آخرین مدل انتقال تکنولوژی است در حالیکه کنت ول مول اختراع تکنولوژی و انتشار آن را ارائه نمود. در دو دهه گذشته شسته ، بیشتر آثار اقتصادی سنتی و ظهور جذابیت و اقداماتش را مشاهده می نمائیم.

MNC در یکی و یا دیگری به کار گرفته می شود یا در مسیرهای متفاوتی گذاشته می شود به تحت چه شرایطی کمپانی با تولید مستقیم بهتر از صادرات و مجوزات چطور سرمایه گذاری کشور بسته می شود؟

بر حسب نیازها او جوابهایی را برای سوال پیشنهاد کرده که ساختار تحلیلی سه گروه منافع را در بر می گیرد: منافع مالکیت کمک می کند تا بفهمیم چرا کمپانی خاص در یک موقعیت مطلوب فرصتهای سرمایه گذاری را در مقابل رقبا بر می دارد. منافع موقعیت توضیح می دهد چرا یک کشور ونیز یک منطقه سرمایه گذاری را ترجیح می دهد؛ منافع درونی سازی توضیح می دهد چرا و تحت چه محیط هایی کمپانی مجوز برای تولیدات مستقیم را ترجیح می دهد. هنگامی که منافع منطقه ای تولیدات مطلوب در کشور میزبان و اقدامات بین المللی صادرات اتفاق می افتد.

وقتی آنها برای کشور خارجی مطلوب باشد. ما FD4 داریم ( یا مجوز بین المللی اگر فواید درونی سازی خیلی وسیع نباشد) این روند محدود به یک ادعا می شود که تئوری انتخاب نامیده می شود و بیش از یک لیست خرید متغیر نبوده است.

وانینگ ۲۰۰۰ دانینگ اینگونه پاسخ داد که به آن نباید به عنوان یک تئوری نگاه کرد بلکه آن یک سیستم و یا الگوئی است که چتری برای نگرش تئوری های متفاوت است. ( دانینگ ۲۰۰۰ ).

تئوریهای برجسته گوناگونی در بالا نکات بسیاری داشتند و هنوز هم تفاوتهای بسیاری وجود دارد. در برخی تئوریهای ویژه فرضیات صریح و جسم در رابط اهداف ضروری دارند و در حالیکه دیگران بر اساس فرضیات اهداف استراتژیک برای کمپانی رشد بیشتری داشته اند. دوره کوتاه گسترش هر چه بیشتر در آمد و تحلیل نهایی در بعضی تئوریها نقش بزرگی را ایفا می کند وانگیزه مهم در پس FD4

وجود دارد که خواهان سازمان دهی تولیدات بر طبق کاهش قیمت‌ها بویژه در بازار معامله ارزشها می باشد. تئوری درونی سازی اینگونه طبقه بندی می شود، وانینگ به برخی دامنه ها نزدیک است. نگرش تئوری تجارت نو با اقدامات برخورد می کند. - از دیدگاه من - همچنین در این طبقه بندی قرار می گیرد.

دلیل آن این است که اجزاء قیمت و هم توازنشان؛ در تحلیل نهائی چنین نقش بزرگی را ایفا می کند. توسعه استراتژیها حاکی از وجود برخی مراتب قدرت است. معمولاً بازار قدرت و تمرکز بر استراتژیها حاکی از وجود برخی مراتب قدرت است. معمولاً بازار قدرت و تمرکز بر استراتژیها فراتر از کمپانیهای رقیب برای موقعیت و سهام بازار است. تولیدات بین المللی هست بنابراین دیدن نتایج استراتژیها برای افزایش سهم بازار توسعه تئوریهای تجارت نو با فشارهای بر انباشتگی منافع و جغرافی تولیدات موجب بالا رفتن جذابیت اقدامات TNC گردیده است. این امر موجب همکاری ای گوناگون گردیده است ( هلپ من ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ ، و هپسمن و کروگمن ۱۹۸۵ ، کروکن مارکوسن ۱۹۸۴ ، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۸ ) که اقدامات TNC اساساً در مناطق چند طرحی مشاهده شده است از طریق ترکیب ساختار قیمت‌ها توضیح داده می شود. مانند نقل و انتقال و دیگر قیمت‌های مکانی . و وجود اقتصادی داخلی و خارجی انباشتگی منافع را به دنبال دارد. نگرشهای تئوری اساسی در توضیح اقدامات وجود دارد.

نویسندگان دیگری بر اجزای اصلی گردش های مالی پرداخته اند آلیبر ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ یا در متن کشورها الگوهای رشد متفاوتی هست.



آلیر ۱۹۹۳ برخی رشد بیشتری در پیامدهای ساختاری آلیکو پالیتیک برای مدل‌های جغرافیایی FDI داشت کنیکر باکد ۱۹۷۳ و گراهام ۱۹۹۰ و ۱۹۷۸ اقتصاد کلاً هم تولیدات بین المللی و هم تأثیرات آن است.

کونینگ سوژن ۱۹۸۷ تئوریهای برجسته گوناگونی در بالا نکات بسیاری داشته و هنوز هم تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در برخی تئوریهای ویژه فرضیات صریح و مجسم در رابطه اهداف ضروری دارند و در حالیکه دیگران براساس فرضیات اهداف استراتژیک برای کمپانی رشد بیشتری داشته اند. دروه کوتاه گسترش هر چه بیشتری درآمد و تحلیل نهایی در بعضی تئوریها ای نقش بزرگی را ایفا می کند و بنابراین اهداف مفید نقش ممکن را برای آنها ایفا می کند و بنابراین اهداف مفید نقش ممکن را برای آنها ایفا می کند. انگیزه ای مهم در پس FDI وجود دارد که خواهان سازمان دهی تولیدات بر طبق کاهش قیمت‌ها بویژه در بازار معامله ارزشها می باشد. تئوری درون سازی اینگونه طبقه بندی میشود؛ دانینگ به برخی دامنه ها نزدیک است، نگرش تئوری تجارت نو با اقدامات برخورد می کند. - از دیدگاه من - همچنین در این طبقه بندی قرار می گیرد. دلیل آن این است که اجزا قیمت و هم نواز نشان. در تحلیل نهایی چنین نقش بزرگی را ایفا می کند. توسعه استراتژیک ها حاکی از وجود برخی مراتب قدرت است. معمولاً بازار قدرت و تمرکز بر استراتژیها فراتر از کمپانیهای رقیب برای موقعیت و سهام بازار است. تولیدات بین المللی هست بنابراین دیدن نتایج استراتژیها برای افزایش سهم بازار استراتژیها با توجه به راهبردهای گوناگون تئوری به استراتژیهای کمپانی های رقیب رجوع می کنند و بنابراین به موجودیت خود متصل شده و بازار قدرت را افزایش می دهند. گر چه کمپانیهای بزرگ از سوی دیگر فعالان اقتصادی و سیستم اجتماعی از سوی نیروی کار، دولت‌ها در کشورهای میزبان و میهمان یا کمپانیهای با اندازه متوسط می توانند درجه ای قدرت را داشته باشند.

بنابراین ممکن است پانصد استراتژیها به سوی یکی یا بیشترین فعالان باشد. به این موضوع در دو بخش بعدی اش اشاره خواهیم کرد.

### ۳- چرا در مورد TNC مطالعه می کنیم؟

اولین جزو کلیدی که به سخنی در هر تئوری آشکار می گردد عبارت است این جز که به نظر کلید تبیین اقدامات است، نمودارهای بسیاری کمی در تئوریهها برای توضیح آنها برنامه ریزی شده است. آن فقط از تحلیل دلایل کاربودجه ای انتقال قیمتتها تشخیص داده می شود و معمولاً با نرخهای مالیاتی متفاوت در کشورهای مختلف جذب می شود. کروگمن و دیگر محققان یا قدرت بازار است یا پاسخهای دفاعی برای استراتژیها از رقیبان است. نکته کلیدی این است که تولیدات بین المللی در نتیجه واسطه سیاستهای طولانی مدت است که هدف اصلی بازار قدرت بهبود آن یا دفاع از آن است.

البته، ر استراتژی هر کمپانی منفعت هدف نهائی است، نگرشها معمولاً از تکنیکهای گسترش هر چه بیشتر سود حاشیه ای استفاده نمی کنند. بازیگران بزرگ در دنیا با تردید از سوی ساختار ارزشها و واکنش دیگر بازیگران، با تغییرات پویا در واسطه دوره ای طولانی، با دانش مبهم از سوی ساختار ارزشها و عایدات، استراتژیها ممکن است نتایج بزرگتری نسبت به بهینه سازی به لحاظ ریاضیات مو به مو به دست آورد. همه تئوریهها بر بازار قدرت داشتن و اجزاء استراتژیک تأکید دارند. ( هیمر، ورنون، کینکر باکر، گراهام، کولینگ و سوژن )

تئوری کنترل با فرضیات ویژه ای ساخته شد که کمپانی ها فعالانه برخورد کنند و یا توسعه استراتژی منافع مالکیتشان را در زمینه ابداع افزایش دهند.

نادیده گرفته شده بنابراین با نادیده گرفتن ویژگیهای داخلی در برابر ویژگیهای خارجی مخترعان و تولید کنندگان و یا به طور ویژه تری ، نادیده گرفتن عملی ملیت مخترع مواجه می شود. در عوض ، تمرکز گرایش به موردتوجه قرار دادن موارد ذیل دارد:

کمپانی در کل یا تجارت اقتصاد کلان مشتمل تولیدات کمپانی ملی ، سرمایه گذاری یا تجارت . این همان چیزی است که زمانی در باره اش مطالعه می کردیم یا برای مثال تئوری تجارت : یعنی شرایط وابسته و منافع تجاری کشورها تجزیه می کنیم و یا اینکه تجارت بر استقلال هویت ملی کمپانی صادر کننده تأثیر گذار است.

چرا ما از چنین هویتی رنج می بریم وقتی صادر کننده کسی است که سرمایه گذاری وسیعی کرده است؟ به همان ترتیب ، بسیاری از مناسبتها را به هویت مخترعان ربط نمی دهیم وقتی آنان از نواحی دیگری در میان همان دولت ملی پدید می آیند. مثلاً وقتی کمپانی تکزان در میثاگن سرمایه گذاری می کند یا کمپانی توسکان در سیبل سرمایه گذاری می کند. (۱۹۹۱) تئوری تجارت نو به وجود دولت ملی با شرایط ارزشها توجه دارند - به ویژه به مکان - و در شرایط نظارت آنها حرکت منابع - هم از جنبه انسانی و پایتختی و هم تولیدات مطرح می گردد و طبق این تحلیل چگونه و چطور دولت ملی ممکن است یقین کند و مناسبی برای اندازه و ساختار تولیدات بین المللی باشند ، ما بایستی سوالاتی در عنوان این بخش مطرح کنیم و فعالیتش را مطالعه کنیم؟ این سوال ممکن است استثنائی باشد بویژه از افرادی که مطالعات خود را در بیست سال گذشته یا سالها به شرکتهای چند ملیتی و فعالیتهایشان اختصاص داده اند. هنوز چنین سوالی نامعقول نیست.

در واقع با وجود پیدایش TNC نقش بزرگی برای این تئوریهها ندارد. در اغلب مؤسسات معتبر در بهترین ۲ یا ۳ سخنرانی در دوره اقتصاد صنعتی صورت گرفته است آیا این غیر معقول است.

این تقریباً متداول است، در بسیاری از امتحانهای اقتصادی TNC به مراتب بیشتر از فاصله بین همان مناطق دولت ملی است. اما این مورد همیشه نیست. مثلاً فاصله بین میلان و رجیو کالبریا بیشتر از میلان و جنوا است.

۲- بعد فرهنگ و زبان فاصله فرهنگی معمولاً بین دول ملی بیشتر از مناطقی که در همان دولت ملی است و اما دوباره این مورد همین مطرح نیست. فاصله فرهنگی میلان و جنوا به نسبت کمتر از بین میلان و رجیو کالبریا است.

۳- بعد رژیمهای ناظر. در کنار رژیمهای ناظر به نظر می آید یک سری از کلیه قوانین، مقررات و سنتها اقتصاد، اجتماع و زندگی سیاسی یک کشور را اداره می کنند. بنابراین این گروه قوانین تولیدات، بازارها و حرکت منابع را در میان کشور اداره می کند. هر کشوری رژیم فاصله ویژه ای دارد. و بنابراین قوانین و مقررات دارد که ریشه تاریخی و ضمنی دارد.

کشورها اغلب به میزان چشمگیری رژیمهای با ضد ویژه انسان متفاوت در شرایط دارند اگر چه رژیمهای ناظر گرایش به انصاف البته نه به طور کامل - همگونی و یکپارچگی در میان هر دولت ملی دارند. دولتهای ملی جرا با به اصل و ریشه کمپانی مربوط توجه می کنیم وقتی آن از کشور خارجی است. چه هدف ویژه ای مورد مطالعه TNC نیست؟

به طور سنتی، اقتصاددانان به هویت سرمایه گذار نگاه می کنند وقتی که به مطالعه سرمایه گذاری از طریق کمپانیهای دولتی می پردازند.

گرچه دلایل این مسئله واضح است: یعنی سرمایه گذاری دولتی می پندارد اهداف متفاوتی دارد و با سرمایه گذار خصوصی مقایسه می شود و بنابراین این هویت سرمایه گذاری دولتی و خصوصی مد نظر

است. اما وقتی سرمایه گذار TNC است این مورد مد نظر نیست. که آیا کمپانی داخلی و یا خارجی است، آیا چند ملیتی است و یا اهداف کمپانی یک ملیتی متفاوت نیست. آنها به دنبال سود و درآمد هستند. در حقیقت با این دلیل که چرا مورد ما درباره ویژگی سرمایه دار که یک ملیتی یا چند ملیتی هیچ ارتباط با اهداف ندارد اما ارتباط به استراتژیها دارد. به این نکته می پردازیم.

## ۲- مرزهای ملی و استراتژیهای TNCs

سه بعد عملکرد در مرزهای ملی وجود دارد.

۱- بعد جغرافیایی و یا مکانی. فاصله بین مناطق مختلف در دولت ملی به مراتب بیشتر از فاصله بین همان مناطق دولت ملی است اما این مورد همیشه نیست. مثلاً فاصله بین میلان و جیو کالبریا بیشتر از میلان و جنوا است.

۲- بعد فرهنگ و زبان فاصله فرهنگی معمولاً بین دولت ملی بیشتر از مناطقی که در همان دولت ملی است اما دوباره این مورد همیشه مطرح نیست. فاصله فرهنگی میلان و جنوا به نسبت کمتر از بین میلان و رجیو کالبریا است.

۳- بعد رژیمهای ناظر در کنار رژیمهای ناظر به نظر می آید یک سری از کلیه قوانین، مقررات و سنتها اقتصاد، اجتماع و زندگی سیاسی یک کشور را اداره می کنند. بنابراین این گروه قوانین تولیدات، بازارها و حرکت منابع را در میان کشور را اداره می کنند. هر کشوری رژیم ناظر ویژه ای دارد و بنابراین قوانین و مقررات دارد که ریشه تاریخی و ضمنی دارد. کشورها اغلب به میزان چشمگیری رژیمهای ناضر ویژه اشان تفاوت در شرایط دارند. اگر چه رژیمهای ناظر گرایش به انصاف البته نه به

طور کامل - همگونی و یکپارچگی در میان هر دولت ملی دارند. دولتهای ملی و ..... همکاری مهم برای شکرآرزشمند است .....

او اظهار داشت سه ویژگی که MNC را قادر می سازد معامله به سود؛ دومی، اطلاعات خارجی گرفته شده سپس اندازه هایی که از طریق تولید با بازاریابی و ساخت به دست می آید.

منافع مناسبی وجود دارد که کمپانی از طریق توسعه تاریخی در شبکه چند ملیتی خود بدست می آورد. کوگوت به منافع بدست آمده از طریق رفتارهای سیاستمداران توجهی نداشته است.

در اینجا از دو منظر منافع چند ملیتی و بررسی خواهد گردید.

۱- ممکن است که چنین منفعی به طور فعال از طریق رفتارهای استراتژیک کمپانی و در زمینه های گوناگون ایجاد شود.

۲- ممکن است که رفتار استراتژیک منفعی را در مقابل دیگر بازیگران سیستم اقتصادی و هم کمپانی رقیب به کار گیرد.

متفاوت ، تفاوتهایی دارند:

گردش مالی رژیمها

مالیات رژیمها

قوانین و مقرراتی که سیستم امنیت اجتماعی ارائه میدهد. و در رژیمها تفاوت خاص ، کار و سازمان هم ارائه می گردد. به خصوص بعد سوم هر دولت ملی را مشخص می سازد گرچه دو بعد دیگر

همچنین می توانند تفاوت‌های بین دولت‌ها را ارائه دهند. علاوه ، بعد سوم است که با ایجاد فرصت‌ها - و هم برخی ارزش‌ها - برای بدست آوردن منافع اقتصادی فعالیتهایی را در طول مرزها ایجاد می کند.

اساساً آنها با دو بعد اول همکاری می کنند گرچه برای TNCS مدیریت و سازمان دهی تحت قوانین و

مقررات و سنن متفاوت ممکن است گران تمام شود. ممکن است ارزشهایی باشد که در کفه اقتصادی

از آنها صرف نظر شود. اگر تولید در مناطق بسیاری گسترده شود. بعد سوم ممکن است منافع ویژه

چند ملیتی را افزایش دهد. نویسنده ای به نام گوگت ۱۹۱۳ رابط ویژه ای برای منافع چند ملیتی را

ارائه کرد که با توجه به وجود شبکه ای چند ملیتی مرزها بسیار کمتر از درون مرزها وجود دارد. این

بدان معنی است که هر وقت TNC تولیداتش را بخش می کند بسیاری از دولت‌های ملی با نیروی

اجباری کاری مواجه می شود که برای آن کار می کند که بیشتر قطعه قطعه می شود و کمتر قادر به

سازمان دهی است و برای تقاضاهای مربوط به شرکت در پایتخت مقاومت می کند. این موقعیت با

همان نیروی کار اجباری که بوسیله همان کمپانی استخدام شده بودند و همان میزان محصول در یک

کشور تنها تولید میکند. مقایسه می شود. در موقعیت بعدی نیروی کار سازمان دهی و مقاومت قوی تر

است. بنابراین استراتژی منطقه بین المللی ممکن است همچنین استراتژی تجزیه نیروی کار باشد.

استراتژی تجزیه قدرت نیروی کار را در مقابله با هر گونه برخورد در پایتخت تضعیف می کند. این

تأثیر بوسیله انواع دیگر استراتژی تجزیه ترکیب می شود که در دو دهه اخیر از طریق سازمان‌های بزرگ

تک و چند ملیتی در هر دو بخش خصوصی و دولتی پی گیری شده است. به تجزیه سازمانها که

تجارت‌هایی با فعالیت در قسمتهای منابع خارجی دارند رجوع می کنیم بنابراین نیروی کار اجباری قبلاً

برای همان سازمان کار می کردند.

منابع ویژه چند ملیتی مرتبط با وجود رژیم های ناظر متفاوت در ذیل دنبال می شود.

- منافی نسبت به کار

- منافی در مذاکرات به کار

- منافع پیشنهادی مالی و مالیاتی رژیم های مختلف

- منافع گسترش خطر

کمپانی می تواند به درستی طرح ، سازمان دهی و کنترل مرزها را و همچنین گسترش استراتژی برای بدست آوردن منافع رژیم های ناظر در مرزها را انجام دهد. بنابراین وجود تفاوت قوانین مالی و مالیاتی ممکن است ، برای مثال ، به آنها فرصت برای توسعه منطقه بدهد و کمپانی داخلی استراتژیهای که برایشان منافی دارد و قیمتهایی کاربرد به جا دارد را انتقال می دهد. و بنابراین سود بالایی را به دست خواهند آورد.

این ویژگی در خصوص کار که فرصت توسعه استراتژی منافع مطرح می شود . بر خلاف TNC کار قادر نبوده که در آن سوی مرزها خود را سازمان دهد. به علاوه انجام کار در آن نوعی فرصتهای وسیعی برای توسعه استراتژیهای برنامه ریزی شده دارند تا موقعیتشان را در زمینه دیگر بازیگران سیستم اقتصادی بهبود دهند که کمتر قادرند - تا اینجا - در آن سوی مرزها به همان اندازه TNC تأثیر گذار باشند.

این راهکار توزیع تولیدات در بسیاری از کشورها یک استراتژی موفق با سود طولانی مدت می شود.



بنابراین دلیل اینکه چرا بایستی TNC را مطالعه کنیم و چرا ملیت موضوع کمپانی به علت اهداف متفاوتشان از دیگر کمپانیها نیست (مانند مورد کمپانی دولتی بر جای کمپانی خصوصی) اما با داشتن تفاوتها و فرصتهای وسیع برای استراتژیها اهداف سودمندشان را دنبال می کنند.

هنگامی که با سازمانی بزرگ و قوی روبرو می شویم داشتن یک راهکار استراتژیک برای فهمیدن اهداف آنها انگیزه هایشان و پیامدها ضروری است. گر چه می بایست حرکتان از راهکار استراتژیک فقط به سوی استراتژی رقیب متمرکز شود، در این مسیر یک راهکار که به استراتژی TNCs در مقابل دیگر بازیگران سیستم اقتصادی مانند استراتژی در برابر نیروی کار و دولت توجه گردد.

برای شرکتهای گوناگون مجبورند کار کنند. برای نیروی کار این سازمان دهی و مقاومت سخت تر است. کمپانیهای چند ملیتی دولتهای کشورها و مناطق مختلف را بر علیه هر هدف دیگر با ایجاد پیشنهاد انگیزه های مالی برای مناطق به درون FDI حرکت می دهند. (آنان ۲۰۰، فلیپس و راین ۲۰۰۲) در حقیقت کمپانی با شبکه بزرگ درونی چند ملیتی وارد عمل می شود و هر حقه های را جهت جابجایی تولیدات بسیار معتبر می سازد و آن می تواند تقریباً با قیمت پائین به موفقیت برسد. بنابراین TNC با یک شبکه تولید در بسیاری از کشورها پخش می شود و جزء قدرتمندی از مذاکراتی قوی به سوی دولتها و نیروی کار اجباری دارد.

بعلاوه، منطقه تولید در چندین کشور خطراتی را توزیع خواهد کرد. علی الخصوص آنها با نارضایتی نیرو کار و سیاست همکاری می کنند.

همچنین ممکن است قدرت اختراع کمپانی را افزایش دهند و از محیط های گوناگون یادگیری داشته باشد. کنترل (۱۹۸۹ و ۱۹۹۵) نتیجه این است کمپانی چند ملیتی - به خاطر در حقیقت عملیاتی

کردن دولت ملی - مختلف در آن سوی و بنابراین به خاطر رژیم های ناظر متفاوت در آن سوی - موقعیتهای در موارد بعدی استراتژی است و همچنین رقابت کمپانی در مقابل رقیبانش منفعت داشته باشد. فعالیتهای TNCS و مرلهایش - در هر دو شرایط موالیتی و جغرافیای - از طریق تمرکز روی تولید بیشتر از تمرکز بر روی تغییرات جانبی می تواند بهتر شناخته شود. در میان تولیدات جانبی تفاوت اجزا با اهمیت است بویژه در برخورد با نیروی کار این بخش تأکید بر تجزیه فعالیتهای TNCS دارد.

هنوز TNCS با نقشی ادغام در متن اقتصاد جهانی همکاری دارد. مثال دیگر تجزیه دیده می شود اگر این موضوع را از نقطه قطر فرایند تولید نظاره کنیم حتی اگر تولید بسیاری از کشورها بر اساس تقسیمات عمودی در فرایند تولید قرار بگیرد، آخر تجزیه جغرافیایی می شود. گر چه از منظره کل کشورها ، با افزایش میزان و ارزش فعالیتهای در بیرون از دولت ملی متفاوت رتبه بالاتری از انسجام کشورها را مورد توجه قرار می دهد. نتیجه این است که TNCS نقش متضاد دو گانه را ایفا می کند: یعنی آنها کشورها را انسجام می دهند. در حالیکه نیروهای کار اجباری را که برایشان کار می کند یا فرایند تولید آنها را سازمان می دهند را تجزیه می کنند.

### ۳- نتیجه ، دخالتهای آموزشی و سیاسی

این مقاله با گریزی خلاصه به تئوریهای اصلی شرکتهای چند ملیتی و تولید بین المللی و برجسته کردن برخی اجزا کلیدی در تئوریهای آغاز گردید. سپس دلایل مورد بحث قرار گرفت چرا وجود مرزهای ملی موضوع برای تصمیم گیری کمپانیهای و ابعاد اصلی عملکردها را در آن سوی مرزها معرفی شد که برای استراتژیهای TNCS مطرح بودند. منافع کمپانیها با عملکردی بیرون از مرزها با مرجع ویژه برای مذاکرات قدرتمند در برابر نیروی کار و دولتها برجسته شده بود.

استراتژی‌هایی مربوط به واقعیت بودند که بتوانند طراحی سازمان دهی کنترل و بهینه سازی بیرون از مرزها را انجام دهند در حالیکه دیگر بازیگران اقتصادی نتوانستند این فعالیتها را انجام دهند ، یا هنوز نمی توانند انجام بدهند و یا وسعت TNCS همان اندازه است . این مورد ویژه نیروی کار است. چندین پیامد اساسی از این راهکار استنتاج می شود.

اولین سری پیامدها وابسته به سیاست ممکن است. اگر یک بازیگر داشته باشیم که فواید بزرگی را استخراج کند و از طریق فعالیتهای چند ملیتی قوی گردد.

وقتی با بازیگران دیگری که نمی توانند این کار را انجام دهند مواجه می شود ، سپس دو راه حل ممکن پدید می آید: (۱) بر قدرت معاملات چند ملیتی با دیگر بازیگران سیستم های اقتصادی مانند نیروی کار یا SMIS افزوده می شود (۲) با توسعه قوانین و مقررات در سطح ملی و بین المللی که به دیگر بازیگران بیشترین میدان جهت ایفای نقش را می دهد. برای مثال :

حرکت به سوی حذف انگیزه های مالی که بوسیله دولت برای جذب سرمایه گذاری خارجی به سوی داخل پرداخت می شود. چنین انگیزه ایی یک دولت ملی ( یا محلی ) بر علیه دیگران بررسی افزایش میزان کلی سرمایه گذاری از جانب جهان را می دهد. در عمل ، احتمال تأثیر توزیع جغرافیایی از سوی FDI کم است و مشوق ها جزء تعیین کننده در تصمیمات سرمایه گذاری TNCS نیستند.

مهارت نیروی کار ، راه دستیابی به بازارهای است ، زیر بنای فیزیکی و انسانی با تصمیمات گوناگون TNCS مرتبط تر است. (مارگینسون ۱۹۹۵). جزء مطرح دیگر سیاست عبارت است از حقیقتی که منافی از طریق کمک های بزرگ چند ملیتی بوجود می آورد شبکه های بزرگ چند ملیتی را در

کشورهای زیادی پایه ریزی می کند. چند ملیتی در مرحله ای بالاتر می تواند موانعی را بر سر راه

کمپانی های کوچکتر بویژه در کشورهای در حال توسعه وارد کند ( کوگوت ۱۹۸۳)

دومین سری پیامد عبارت است از شرایط تحقیق و یافته ای سیستم اقتصادی را مجبور به انجامش

باشیم. تئوری اقتصاد همیشه با توده از مشکلات مواجه است. تئوریهای ما در سطح کوچک به طور

کامل با تئوریهای سطح بزرگ هماهنگ نمی گردند. برعکس ما آگاه نیستیم که چرا تئوری کمپانی

اساس تئوریها و مدلهای بزرگ را تشکیل می دهد. ما واقعاً نمی دانیم چطور به طور تئوریک از یکی به

سه سطح دیگر جهش نمائیم.

به طور سنتی فقط یک بعد واضح و روشن بود که انسجام بین سه سطح بود. همیشه درباره توسعه

مدلهای پایه ای کمپانیها صنایع ، مجموعه ای بزرگ بحث می کنیم - مانند ارزش افزوده ، تجارت ،

شکلهای بنیادی و مجموعه مصرفی - که به نواحی خاصی وابسته اند: یعنی نواحی دولت ملی. گر چه

افزایش فعالیتهای TNC استقامت این اجزاء را در سه سطح طولتر نمی سازد.

همچنین می دانیم که استراتژی مناطق TNCS ممکن است تحت تأثیر منافع احتمالی چند ملیتی قرار

بگیرد و بنابراین فقط وابسته به منافع مقایسه ای نواحی است. به این معنا که استراتژی TNCS و بهینه

سازی آنها بیرون از نواحی عریض تر از نواحی محدود از طبق دولت ملی ، ممکن است برای یافته های

ما درباره مدل و اندازه جغرافیایی تجارت جهانی سیاستی است.

در ده سال گذشته رشد قابل توجهی در تحقیقات فعالیتهای TNC مشاهده شده است با افزایش تعداد

کتاب ها و جرنال های اقتصادی معتبر و هم آثار تجاری ملاحظه شد بسیاری مواجه شده است. گر

چه ، هنوز دو مشکل وجود دارد. ابتدا عواقب کاملی فعالیتهای TNC در اقتصادهای کلان تحلیل

میشود و به تنهایی قابل حل است. دوم ، با افزایش جذابیت تحقیق هنوز برنامه آموزشی منتشر نمی کند. یعنی دانشجویان اقتصاد با وجود دریافت مدارج یا چیزی یاد نمی گیرند و یا خیلی کم درباره فعالیتهای TNCS می آموزند.

آنها مفاهیمی کم و اغلب نادرست از رسانه ها و یا جنبشهای ضد جهانی سازی دریافت می کنند. شرکتهای چند ملیتی و فعالیتهایشان در اقتصاد رخنه کرده اند و آگاهی اجتماعی در محدوده ای وسیعتر پیشه شده دو در دوره دانشجویی رخته کرده است و برنامه درسی را طبقه بندی نموده و آگاهی در اقتصادی های آکادمیک را بوجود آورده است . این زمانی است که عدم توازن را اصلاح نماید. در سطح بزرگ ، به آنچه در نواحی محدود بوسیله مرزهای ملی اتفاق می افتد هنوز ما را جذب می کند ، هنوز کمپانیهای با داشتن افق دید متفاوت در نواحی و هم با استراتژی و زمینه های بهینه سازی بکار می کنند و بعلاوه شکل گیری ساختار صنعتی و بازاریابی روبه افزایش است این رقابت در سطح بین المللی بیش از سطح ملی است. اگر ما این راه را ادامه بدهیم که مرزهای ملی موضوع استراتژی کمپانی ها نیست می توانیم از نتایج اخلاقی این نواحی چشم پوشی کنیم اما این مورد در دو بخش قبل به طور واضح مورد بحث واقع نشد . بنابراین ما فقط ادعا داریم که بیشترین مجموع مشکلات را داریم : مشکل این است که توجه به سطح کلامی از فعالیتهای واحدهایی که بیرون از مرزها به بهینه سازی می پردازند و چطور ممکن است بر سطح کلان درآمد تأثیر گذار باشند. مثالی که به ما کمک می کند. معمولاً تجارت بین المللی را با رجوع به منافع مقایسه دولت ملی مطالعه می کنیم . گر چه می دانیم که سه چهارم منشأ تجارت جهانی با TNCS است و در عمل بیش از یک سوم تجارت جهانی بر اساس یک کمپانی داخلی رخ میدهد.